



موضوع	قانون موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری قبرس به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالیاتی در مورد مالیات های بر درآمد به انضمام تشریفات (پروتکل) الحاقی
	ماده واحده - موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری قبرس به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالیاتی در مورد مالیات های بر درآمد به انضمام تشریفات (پروتکل) الحاقی، مشتمل بر یک مقدمه و بیست و هشت ماده به شرح پیوست تصویب و اجازه مبادله اسناد آن داده می شود. تبصره ۱- هزینه های مالی موضوع بند (۳) ماده (۱۱) موافقتنامه، مجوز کسب درآمد غیرقانونی از جمله ربا محسوب نمی شود. تبصره ۲- در اجرای ماده (۲۴) این موافقتنامه، رعایت اصول هفتاد و هفتم (۷۷) و یکصد و سی و نهم (۱۳۹) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران الزامی است. بسم الله الرحمن الرحیم موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری قبرس به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و فرار مالیاتی در مورد مالیات های بر درآمد دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری قبرس که از این پس دولت های متعاقد نامیده می شوند، با تمایل به انعقاد موافقتنامه ای به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و فرار مالیاتی در مورد مالیات های بر درآمد به شرح زیر توافق نمودند: ماده ۱- اشخاص مشمول موافقتنامه این موافقتنامه ناظر بر اشخاصی است که مقیم یکی از دولتهای متعاقد یا هر دو آنها باشند. ماده ۲- مالیات های موضوع موافقتنامه ۱- این موافقتنامه در مورد مالیات های بر درآمد اعمال می شود که صرف نظر از نحوه اخذ آنها، از سوی هر دولت متعاقد یا تقسیمات فرعی سیاسی یا مقامهای محلی آنها وضع می گردد. ۲- مالیات های بر درآمد عبارت است از کلیه مالیات های وضع شده بر کل درآمد یا اجزای درآمد از جمله مالیات بر درآمد حاصل از نقل و انتقال اموال منقول یا غیرمنقول، مالیات بر کل مبالغ دستمزد یا حقوق پرداختی توسط مؤسسات و همچنین مالیات بر افزایش ارزش سرمایه ۳- مالیات های موجود مشمول این موافقتنامه عبارتند از: الف - در مورد جمهوری اسلامی ایران: - مالیات بر درآمد ب - در مورد جمهوری قبرس: ۱- مالیات بر درآمد ۲- مالیات بر درآمد شرکت ۳- کمک مالی خاص در مورد امور دفاعی جمهوری قبرس و ۴- مالیات بر عواید سرمایه ای ۴- این موافقتنامه شامل مالیات هایی که نظیر یا در اساس مشابه مالیات های موجود بوده و بعد از تاریخ امضای این موافقتنامه به آنها اضافه یا به جای آنها وضع شود نیز خواهد بود. مقامهای صلاحیتدار دولتهای متعاقد ظرف مدت معقولی یکدیگر را از هر تغییر مهمی که در قوانین مالیاتی مربوط به آنها حاصل شود، مطلع خواهند نمود. ماده ۳- تعاریف کلی ۱- از لحاظ این موافقتنامه، جز در مواردی که سیاق عبارت مفهوم دیگری را اقتضای نماید، معانی اصطلاحات به قرار زیر است: الف - ۱- اصطلاح «جمهوری اسلامی ایران» به مناطق تحت حاکمیت و یا صلاحیت جمهوری اسلامی ایران اطلاق می شود. ۲- اصطلاح قبرس «قبرس» به «جمهوری قبرس» اطلاق می شود و هرگاه در مفهوم جغرافیایی به کار رود شامل قلمرو ملی، دریای سرزمینی مربوط به آن و همچنین هر منطقه ای خارج از قلمرو دریایی از جمله منطقه مجاور، منطقه اقتصادی انحصاری و فلات قاره می شود که به موجب قوانین قبرس و مطابق حقوق بین الملل به عنوان منطقه ای تعیین شده یا خواهد شد که قبرس می تواند حق حاکمیت یا صلاحیت خود را در آن اعمال کند. ب - اصطلاح «یک دولت متعاقد» و «دولت متعاقد دیگر» بنا به اقتضای متن به جمهوری اسلامی ایران یا جمهوری قبرس اطلاق می شود. پ - اصطلاح «شخص» اطلاق می شود به: - شخص حقیقی - شرکت یا هر مجموعه دیگری از اشخاص ت - اصطلاح «شرکت» اطلاق می شود به هر شخص حقوقی یا هر نهادی که از لحاظ مالیاتی به عنوان شخص حقوقی محسوب می شود. ث - اصطلاحات «مؤسسه یک دولت متعاقد» و «مؤسسه دولت متعاقد دیگر» به ترتیب به مؤسسه ای که به وسیله مقیم یک دولت متعاقد و مؤسسه ای که به وسیله مقیم دولت متعاقد دیگر اداره می گردد اطلاق می شود. ج - اصطلاح «حمل و نقل بین المللی» به هر گونه حمل و نقل توسط کشتی یا وسایط نقلیه هوایی صرفاً برای حمل و نقل بین نقاط واقع در یکی از دو دولت متعاقد شود، به استثنای مواردی که کشتی یا وسایط نقلیه هوایی صرفاً برای حمل و نقل بین نقاط واقع در دو دولت متعاقد استفاده شود. چ - اصطلاح «مقام صلاحیتدار»: - در مورد جمهوری اسلامی ایران به وزیر امور اقتصادی و دارایی یا نماینده مجاز او اطلاق می شود. - در مورد قبرس به وزیر دارایی یا نماینده مجاز او اطلاق می شود. ۲- در خصوص اعمال این موافقتنامه توسط یک دولت متعاقد، هر اصطلاحی که تعریف نشده باشد، دارای معنای به کار رفته در قوانین آن دولت متعاقد راجع به مالیات های موضوع این موافقتنامه است، به جز مواردی که اقتضای سیاق عبارت به گونه ای دیگر باشد؛ معانی به کار رفته در قوانین مالیاتی حاکم آن دولت بر معانی اصطلاح مزبور در سایر قوانین آن دولت ارجحیت دارد. ماده ۴- مقیم ۱- از لحاظ این موافقتنامه اصطلاح «مقیم یک دولت متعاقد» به هر شخصی اطلاق می شود که به موجب قوانین آن دولت، از حیث اقامتگاه، محل سکونت، محل ثبت، محل مدیریت یا هر گونه معیار دیگر با ماهیت مشابه مشمول مالیات آن دولت باشد و همچنین این اصطلاح شامل آن دولت، تقسیم فرعی سیاسی یا مقام محلی آن خواهد بود. با وجود این، اصطلاح مزبور شامل شخصی نخواهد بود که صرفاً به لحاظ کسب درآمد از منابع واقع در آن دولت مشمول مالیات آن دولت می شود. ۲- چنانچه حسب مقررات بند (۱) این ماده شخص حقیقی مقیم هر دو دولت متعاقد باشد، وضعیت او به شرح زیر تعیین خواهد شد: الف - او مقیم دولتی تلقی خواهد شد که در آن محل سکونت دایمی در اختیار دارد. اگر او در هر دو دولت

محل سکونت دایمی در اختیار داشته باشد، مقیم دولتی تلقی خواهد شد که در آن علایق شخصی و اقتصادی بیشتری دارد (مرکز منافع حیاتی) ب - هرگاه نتوان دولتی را که وی در آن مرکز منافع حیاتی دارد تعیین کرد، یا چنانچه او در هیچ یک از دو دولت محل سکونت دایمی در اختیار نداشته باشد، مقیم دولت متعاهدی تلقی خواهد شد که معمولاً در آنجا به سر می برد. پ - هرگاه او معمولاً در هر دو دولت متعاهد به سر برد یا در هیچ یک به سر نبرد، مقیم دولتی تلقی می شود که تابعیت آن را دارد. ت - هرگاه او تابعیت هیچ یک از دولت ها را نداشته باشد و یا چنانچه نتوان بر اساس بندهای پیشین او را مقیم یکی از دولت های متعاهد تلقی کرد، موضوع با توافق متقابل مقامهای صلاحیتدار دولتهای متعاهد حل و فصل خواهد شد. ۳- چنانچه شخصی به غیر از شخص حقیقی مقیم هر دو دولت متعاهد باشد، آن شخص مقیم دولتی تلقی خواهد شد که محل مدیریت مؤثر وی در آن واقع است. ماده ۵- مقرر دایم ۱- از لحاظ این موافقتنامه اصطلاح «مقرر دایم» به محل ثابت کسب و کار اطلاق می شود که از طریق آن کسب و کار مؤسسه یک دولت متعاهد کلاً یا جزئاً در دولت متعاهد دیگر انجام می شود. ۲- اصطلاح «مقرر دایم» به ویژه شامل موارد زیر است: الف- محل اداره ب- شعبه پ- دفتر ت- کارخانه ث- کارگاه ج- معدن، چاه نفت یا گاز، معدن سنگ یا هر محل دیگر اکتشاف، استخراج و یا بهره برداری از منابع طبیعی ۳- کارگاه ساختمانی، پروژه ساخت، سوار کردن یا نصب ساختمان یا فعالیت های مربوط به سرپرستی و نظارت مرتبط با آن «مقرر دایم» محسوب می شوند ولی فقط در صورتی که این کارگاه، پروژه یا فعالیت ها بیش از دوازده ماه استقرار یا ادامه داشته باشد. ۴- علی رغم مقررات قبلی این ماده اصطلاح «مقرر دایم» به موارد زیر اطلاق نخواهد شد: الف - استفاده از تأسیسات، صرفاً به منظور انبار کردن، نمایش اجناس یا کالاهای متعلق به مؤسسه ب - نگهداری موجودی کالا یا اجناس متعلق به مؤسسه صرفاً به منظور انبار کردن یا نمایش پ - نگهداری موجودی کالا یا اجناس متعلق به مؤسسه صرفاً به منظور فرآوری آنها توسط مؤسسه دیگر ت - نگهداری محل ثابت کسب و کار صرفاً به منظور خرید کالاها یا اجناس، یا گردآوری اطلاعات برای آن مؤسسه ث - نگهداری محل ثابت کسب و کار صرفاً به منظور انجام تبلیغات و یا تحقیقات علمی برای آن مؤسسه و یا سایر فعالیت هایی که برای آن مؤسسه دارای جنبه آماده سازی یا کمکی باشد. ج - نگهداری محل ثابت کسب و کار صرفاً به منظور ترکیبی از فعالیت های مذکور در جزی های (الف) تا (ث)، به شرط آنکه فعالیت کلی محل ثابت کسب و کار حاصل از این ترکیب دارای جنبه آماده سازی یا کمکی باشد. ۵- علی رغم مقررات بندهای (۱) و (۲) چنانچه شخصی (غیر از عامل دارای وضعیت مستقل که مشمول بند (۶) است) در یک دولت متعاهد از طرف مؤسسه ای فعالیت کند و دارای اختیار انعقاد قرارداد به نام آن مؤسسه باشد و اختیار مزبور را به طور معمول اعمال کند، آن مؤسسه در مورد هر گونه فعالیت هایی که این شخص برای مؤسسه انجام می دهد، در آن دولت دارای مقرر دایم تلقی خواهد شد مگر آنکه فعالیت های شخص مزبور محدود به موارد مذکور در بند (۴) باشد، که در این صورت آن فعالیت ها چنانچه از طریق محل ثابت کسب و کار نیز انجام گیرند به موجب مقررات بند مذکور، این محل ثابت کسب و کار را به مقرر دایم تبدیل نخواهد کرد. ۶- مؤسسه یک دولت متعاهد صرفاً به سبب آنکه در دولت متعاهد دیگر از طریق حق العمل کار، دلال یا هر عامل مستقل دیگری به کسب و کار می پردازد، در آن دولت متعاهد دیگر دارای مقرر دایم تلقی نخواهد شد مشروط بر آنکه اشخاص مزبور این کار را در جریان عادی کسب و کار خود انجام دهند. با وجود این، هرگاه فعالیت های چنین عاملی به طور کامل یا تقریباً کامل به آن مؤسسه تخصیص یافته باشد، چنانچه معاملات بین عامل و مؤسسه در شرایط استقلال انجام نگیرد، او به عنوان عامل دارای وضعیت مستقل قلمداد نخواهد شد. ۷- صرف اینکه شرکت مقیم یک دولت متعاهد، شرکتی را که مقیم دولت متعاهد دیگر است یا در آن به کسب و کار می پردازد کنترل می کند و یا تحت کنترل آن قرار دارد (خواه از طریق مقرر دایم و خواه به گونه ای دیگر) به خودی خود برای اینکه یکی از آنها مقرر دایم دیگری محسوب شود، کافی نخواهد بود. ماده ۶- درآمد حاصل از اموال غیرمنقول ۱- در آمد حاصل توسط مقیم یک دولت متعاهد از اموال غیرمنقول واقع در دولت متعاهد دیگر (از جمله درآمد حاصل از کشاورزی یا جنگلداری) می تواند در آن دولت دیگر مشمول مالیات شود. ۲- اصطلاح «اموال غیرمنقول» دارای همان تعریفی است که در قوانین دولت متعاهدی که اموال مزبور در آن قرار دارد، آمده است. این اصطلاح به هر حال شامل ملحقات مربوط به اموال غیرمنقول، احشام و اسباب و ادوات مورد استفاده در کشاورزی و جنگلداری، حقوقی که مقررات قوانین عام راجع به مالکیت اراضی در مورد آنها اعمال می گردد، حق انتفاع از اموال غیرمنقول و حقوق مربوط به پرداخت های ثابت یا متغیر در ازای کار یا حق انجام کار، ذخایر معدنی، سرچشمه ها و سایر منابع طبیعی از جمله نفت، گاز و معدن سنگ خواهد بود. کشتیها و وسایط نقلیه هوایی به عنوان اموال غیرمنقول محسوب نخواهند شد. ۳- مقررات بند (۱) این ماده نسبت به درآمد حاصل از استفاده مستقیم، اجاره یا هر شکل دیگر استفاده از اموال غیرمنقول جاری خواهد بود. ۴- مقررات بند های (۱) و (۳) این ماده در مورد درآمد ناشی از اموال غیرمنقول مؤسسه و درآمد ناشی از اموال غیرمنقول مورد استفاده برای انجام خدمات شخصی مستقل نیز جاری خواهد شد. ماده ۷- درآمدهای تجاری ۱- درآمد مؤسسه یک دولت متعاهد فقط مشمول مالیات همان دولت خواهد بود مگر اینکه این مؤسسه از طریق مقرر دایم واقع در دولت متعاهد دیگر کسب و کار خود را انجام دهد. چنانچه مؤسسه کسب و کار را به طریق مزبور انجام دهد، درآمد آن مؤسسه فقط تا میزانی که مرتبط با مقرر دایم مذکور باشد، می تواند در دولت دیگر مشمول مالیات شود. ۲- با رعایت مقررات بند (۳) این ماده، چنانچه مؤسسه یک دولت متعاهد از طریق مقرر دایم واقع در دولت متعاهد دیگر به کسب و کار پردازد، آن مقرر دایم در هر یک از دو دولت متعاهد دارای درآمدی تلقی می شود که اگر به صورت مؤسسه ای متمایز و مجزا و کاملاً مستقل از مؤسسه ای که مقرر دایم آن است به همان فعالیت ها یا مشابه آنها در همان شرایط یا شرایط مشابه اشتغال داشت، می توانست تحصیل کند. ۳- در تعیین درآمد مقرر دایم، هزینه های قابل قبول از جمله هزینه های اجرایی و هزینه های عمومی اداری تا حدودی که این هزینه ها برای مقاصد آن مقرر دایم تخصیص یافته باشند، کسر خواهد شد، اعم از آنکه در دولتی که مقرر دایم در آن واقع شده است انجام پذیرد یا در جای دیگر ۴- چنانچه در یک دولت متعاهد روش متعارف برای تعیین درآمد قابل انتساب به مقرر دایم بر اساس تسهیم کل درآمد مؤسسه به بخش های مختلف آن باشد، مقررات بند (۲) مانع به کار بردن روش تسهیمی متعارف آن دولت متعاهد برای تعیین درآمد مشمول مالیات نخواهد شد. در هر حال نتیجه روش تسهیمی متخذه باید با اصول مندرج در این ماده تطابق داشته باشد. ۵- صرف آنکه مقرر دایم برای مؤسسه جنس یا کالا خریداری می کند، موجب منظور داشتن درآمد برای آن مقرر دایم نخواهد بود. ۶- درآمد

منظور شده برای مقر دایم سال به سال به روش یکسان تعیین خواهد شد، مگر آنکه دلیل مناسب و کافی برای اعمال روش دیگر وجود داشته باشد. ۷- چنانچه درآمد شامل اقلامی از درآمد باشد که طبق سایر مواد این موافقتنامه حکم جداگانه ای دارد، مفاد این ماده خدشه ای به مقررات آن مواد وارد نخواهد آورد. ماده ۸- حمل و نقل بین المللی ۱- درآمد حاصل توسط مؤسسه یک دولت متعاقد بابت عملیات کشتیها یا وسایط نقلیه هوایی در حمل و نقل بین المللی فقط در آن دولت متعاقد مشمول مالیات خواهد بود. ۲- درآمد حاصل از عملیات کشتیها یا وسایط نقلیه هوایی در حمل و نقل بین المللی شامل موارد زیر خواهد بود: الف- درآمد حاصل از اجاره دربست کشتیها یا وسایط نقلیه هوایی مورد استفاده در حمل و نقل بین المللی ب- درآمد حاصل از استفاده یا اجاره بار گنج ها، چنانچه چنین درآمدی نسبت به سایر درآمد های حاصل از عملیات کشتی ها یا وسایط نقلیه هوایی در حمل و نقل بین المللی جنبه اتفاقی داشته باشد. ۳- مقررات این ماده در مورد درآمد یا منافع حاصل از عضویت در یک اتحادیه، کسب و کار مشترک یا نمایندگی فعال بین المللی نیز اعمال خواهد شد، لیکن فقط به آن قسمت از منافع حاصله که قابل انتساب به شریک به نسبت قدرالسهم او در فعالیت های مشترک باشد. ماده ۹- مؤسسات وابسته ۱- چنانچه: الف- مؤسسه یک دولت متعاقد به طور مستقیم یا غیرمستقیم در مدیریت، کنترل یا سرمایه مؤسسه دولت متعاقد دیگر مشارکت داشته باشد. یا ب- اشخاصی واحد به طور مستقیم یا غیرمستقیم در مدیریت، کنترل، یا سرمایه مؤسسه یک دولت متعاقد و دولت متعاقد دیگر مشارکت داشته باشند و در هر یک از دو صورت، شرایط مورد توافق یا مقرر در روابط تجاری یا مالی بین این دو مؤسسه، متفاوت از شرایطی باشد که بین مؤسسات مستقل برقرار است، در آن صورت هر گونه درآمدی که باید عاید یکی از این مؤسسات می شد ولی به علت آن شرایط عاید نشده است، می تواند جزئی درآمد آن مؤسسه منظور شده و مشمول مالیات متعلقه شود. ۲- چنانچه یک دولت متعاقد درآمدهایی که در دولت متعاقد دیگر بابت آنها از مؤسسه آن دولت متعاقد دیگر مالیات اخذ شده، جزئی درآمدهای مؤسسه خود منظور و آنها را مشمول مالیات کند و درآمد مزبور درآمدی باشد که چنانچه شرایط استقلال بین دو مؤسسه حاکم بود، عاید مؤسسه دولت نخست می شد، در این صورت آن دولت متعاقد دیگر در میزان مالیات متعلقه بر آن درآمد تعدیل مناسبی به عمل خواهد آورد. در تعیین چنین تعدیلاتی سایر مقررات این موافقتنامه باید لحاظ شود و مقامهای صلاحیتدار دولتهای متعاقد در صورت لزوم با یکدیگر مشورت خواهند کرد. ماده ۱۰- سود سهام ۱- سود سهام پرداختی توسط شرکت مقیم یک دولت متعاقد به مقیم دولت متعاقد دیگر می تواند در آن دولت متعاقد دیگر مشمول مالیات شود. ۲- با وجود این، سود سهام مزبور می تواند در دولت متعهده که شرکت پرداخت کننده سود سهام مقیم آن است طبق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود، ولی چنانچه دریافت کننده مقیم دولت متعاقد دیگر بوده و مالک منافع سود سهام باشد، مالیات متعلقه از موارد زیر تجاوز نخواهد کرد: الف - پنج درصد (۵٪) مبلغ ناخالص سود سهام چنانچه مالک منافع شرکتی (به جز مشارکت مدنی) باشد، که به طور مستقیم حداقل بیست و پنج درصد (۲۵٪) از سرمایه شرکت پرداخت کننده سود سهام را در اختیار دارد. ب - ده درصد (۱۰٪) مبلغ ناخالص سود سهام در تمامی موارد دیگر این بند تأثیری بر مالیات شرکتی که از محل درآمد آن سود سهام مزبور پرداخت می شود، نخواهد داشت. ۳- اصطلاح «سود سهام» در این ماده اطلاق می شود به درآمد حاصل از سهام، سهام منافع یا حقوق سهام منافع، سهام مؤسسان یا سایر حقوق (به استثنای مطالبات دیون، مشارکت در منافع) و نیز درآمد حاصل از سایر حقوق شرکتی که طبق قوانین دولت محل اقامت شرکت تقسیم کننده درآمد مشمول همان رفتار مالیاتی است که در مورد درآمد حاصل از سهام اعمال می گردد. ۴- هر گاه مالک منافع سود سهام مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگر که شرکت پرداخت کننده سود سهام مقیم آن است، از طریق مقر دایم واقع در آن، به کسب و کار بپردازد یا از پایگاه ثابت واقع در آن دولت متعاقد دیگر خدمات شخصی مستقل انجام دهد و سهامی که از بابت آن سود سهام پرداخت می شود به طور مؤثر مرتبط با این مقر دایم یا پایگاه ثابت باشد، مقررات بند های (۱) و (۲) جاری خواهد بود. در این صورت، مقررات مواد (۷) یا (۱۴)، حسب مورد، مجری خواهد بود. ۵- چنانچه شرکت مقیم یک دولت متعاقد، منافع یا درآمدی از دولت متعاقد دیگر تحصیل کند، آن دولت دیگر هیچ نوع مالیاتی بر سود سهام پرداختی توسط این شرکت وضع نخواهد کرد (به جز تا مقداری که این سود سهام به مقیم آن دولت متعاقد دیگر پرداخت شود یا تا مقداری که سهامی که بابت آن سود سهام پرداخت می شود به طور مؤثر مرتبط با مقر دایم یا پایگاه ثابت واقع در آن دولت متعاقد دیگر باشد) و منافع تقسیم نشده شرکت را نیز مشمول مالیات نخواهد کرد، حتی اگر سود سهام پرداختی یا منافع تقسیم نشده، کلاً یا جزئاً از منافع یا درآمد حاصل در آن دولت متعاقد دیگر تشکیل شود. ماده ۱۱- هزینه های مالی ۱- هزینه های مالی حاصل در یک دولت متعاقد که به مقیم دولت متعاقد دیگر پرداخت شده می تواند در آن دولت متعاقد دیگر مشمول مالیات شود. ۲- با وجود این، هزینه های مالی مزبور می تواند در دولت متعهده که حاصل شده، طبق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود، ولی چنانچه دریافت کننده، مقیم دولت متعاقد دیگر و مالک منافع هزینه های مالی باشد مالیات متعلقه از پنج درصد (۵٪) مبلغ ناخالص هزینه های مالی تجاوز نخواهد کرد. ۳- اصطلاح «هزینه های مالی» به گونه ای که در این ماده به کار رفته است به درآمد ناشی از هر نوع مطالبات دینی اعم از آنکه دارای وثیقه و یا متضمن حق مشارکت در منافع بدهکار باشد یا نباشد، و به ویژه درآمد ناشی از اوراق بهادار دولتی و درآمد ناشی از اوراق قرضه یا سهام قرضه شامل حق بیمه و جوایز متعلق به اوراق بهادار، اوراق قرضه یا سهام قرضه مزبور اطلاق می گردد. جریمه های تأخیر تأدیه از لحاظ این ماده هزینه های مالی محسوب نخواهد شد. ۴- علی رغم مقررات بند (۲)، هزینه های مالی حاصل در یک دولت متعاقد که توسط دولت متعاقد دیگر، وزارتخانه ها، سایر مؤسسات دولتی، شهرداری ها، بانک مرکزی و سایر بانکهای که کلاً متعلق به دولت متعاقد دیگر می باشند، کسب می شوند، از مالیات دولت نخست معاف خواهد بود. ۵- هر گاه مالک منافع هزینه های مالی مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگری که هزینه های مالی در آنجا حاصل شده از طریق مقر دایم واقع در آن به کسب و کار بپردازد یا در دولت متعاقد دیگر از پایگاه ثابت واقع در آن خدمات شخصی مستقل انجام دهد و مطالبات دینی که هزینه های مالی از بابت آن پرداخت می شود به طور مؤثر مربوط به این مقر دایم یا پایگاه ثابت باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) اعمال نخواهد شد. در این صورت حسب مورد، مقررات ماده (۷) یا (۱۴) مجری خواهد بود. ۶- هزینه های مالی در صورتی حاصل شده در یک دولت متعاقد تلقی خواهد گردید که پرداخت کننده خود آن دولت، تقسیم فرعی سیاسی، مقام محلی یا مقیم آن دولت باشد. با وجود این، چنانچه شخص پرداخت کننده هزینه های مالی، خواه مقیم یک دولت متعاقد باشد

یا نباشد، در یک دولت متعهد مقرر داریم یا پایگاه ثابتی داشته باشد که در رابطه با آن دینی ایجاد شده است که بابت آن هزینه های مالی پرداخت گردیده است و هزینه های مالی مذکور بر عهده چنین مقرر داریم یا پایگاه ثابت باشد، در این صورت چنین تلقی خواهد شد که هزینه های مالی مذکور، در دولت متعهد محل وقوع مقرر داریم یا پایگاه ثابت حاصل شده است. ۷- چنانچه به دلیل وجود رابطه خاص بین پرداخت کننده و مالک منافع یا بین هر دوی آنها و شخص دیگری، مبلغ هزینه های مالی با لحاظ مطالبات دینی که بابت آن پرداخت می شود از مبلغی که در صورت نبود چنین ارتباطی بین پرداخت کننده و مالک منافع توافق می شد بیشتر باشد، مقررات این ماده فقط نسبت به مبلغ اخیرالذکر اعمال خواهد شد. در این مورد، قسمت مازاد پرداختی طبق قوانین هر یک از دولتهای متعهد با در نظر گرفتن سایر مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات خواهد بود. ماده ۱۲- حق امتیازها ۱- حق امتیازهایی که در یک دولت متعهد حاصل و به مقیم دولت متعهد دیگر پرداخت شده، می تواند در آن دولت متعهد دیگر مشمول مالیات شود. ۲- با وجود این، حق امتیازهای مزبور می تواند در دولت متعهدی که حاصل شده طبق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود، ولی چنانچه دریافت کننده مالک منافع حق امتیاز باشد، مالیات متعلقه بیش از شش درصد (۶٪) مبلغ ناخالص حق امتیاز نخواهد بود. ۳- اصطلاح «حق امتیاز» به گونه مورد استفاده در این ماده به هر نوع وجوه دریافت شده در ازای استفاده یا حق استفاده از هر نوع حق نسخه برداری از آثار ادبی، هنری یا علمی از جمله فیلمهای سینمایی و نوارهای رادیویی و تلویزیونی، هر گونه حق انحصاری اختراع، علامت تجاری، طرح یا نمونه، نقشه، فرمول یا فرآیند سری، یا اطلاعات مربوط به تجارب صنعتی، بازرگانی یا علمی اطلاق می شود. ۴- هر گاه مالک منافع حق امتیاز، مقیم یک دولت متعهد بوده و در دولت متعهد دیگر که حق امتیاز حاصل می شود از طریق مقرر داریم واقع در آن، به کسب و کار بپردازد، یا در آن دولت متعهد دیگر از طریق پایگاه ثابت خدمات شخصی مستقل انجام دهد و حق یا اموالی که حق امتیاز نسبت به آنها پرداخت می شود به طور مؤثری با این مقرر داریم یا پایگاه ثابت ارتباط داشته باشد، مقررات بند های (۱) و (۲) اعمال نخواهد شد. در این صورت، حسب مورد، مقررات ماده (۷) یا (۱۴) مجری خواهد بود. ۵- حق امتیاز در یک دولت متعهد در صورتی حاصل شده تلقی خواهد شد که پرداخت کننده، خود آن دولت، تقسیم فرعی سیاسی، مقامی محلی یا مقیم آن دولت باشد. با وجود این چنانچه، شخص پرداخت کننده حق امتیاز (خواه مقیم یک دولت متعهد باشد یا نباشد) در یک دولت متعهد دارای مقرر داریم یا پایگاه ثابتی باشد که حق یا اموالی که در رابطه با آن حق امتیاز ایجاد شده است به گونه مؤثری با آنها ارتباط داشته باشد و پرداخت چنین حق امتیازی بر عهده مقرر داریم یا پایگاه ثابت مزبور باشد، حق امتیاز در دولت متعهدی حاصل شده تلقی خواهد شد که مقرر داریم یا پایگاه ثابت در آن واقع است. ۶- چنانچه به سبب وجود رابطه ای خاص میان پرداخت کننده و مالک منافع یا بین هر دوی آنها با شخص دیگری، مبلغ حق امتیازی که با در نظر گرفتن استفاده، حق استفاده یا اطلاعاتی که بابت آنها حق امتیاز پرداخت می شود، از مبلغی که در صورت نبود چنین رابطه ای بین پرداخت کننده و مالک منافع توافق می شد بیشتر باشد، مقررات این ماده فقط نسبت به مبلغ اخیرالذکر مجری خواهد بود. در این گونه موارد، قسمت مازاد پرداختی طبق قوانین هر یک از دولتهای متعهد و با رعایت سایر مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات باقی خواهد ماند. ماده ۱۳- عواید سرمایه ای ۱- عواید حاصل توسط مقیم یک دولت متعهد از نقل و انتقال اموال غیرمنقول مذکور در ماده (۶) و واقع در دولت متعهد دیگر، می تواند در آن دولت متعهد دیگر مشمول مالیات شود. ۲- عواید ناشی از نقل و انتقال اموال منقولی که بخشی از وسایل کسب و کار مقرر داریم مؤسسه یک دولت متعهد در دولت متعهد دیگر می باشد یا اموال منقول متعلق به پایگاه ثابتی که در اختیار مقیم یک دولت متعهد به منظور انجام خدمات شخصی مستقل در دولت متعهد دیگر می باشد، شامل عواید ناشی از نقل و انتقال مقرر داریم (به تنهایی یا همراه با کل مؤسسه) یا پایگاه ثابت مزبور، مشمول مالیات آن دولت متعهد دیگر می شود. ۳- عواید حاصل توسط مؤسسه یک دولت متعهد از نقل و انتقال کشتیها یا وسایط نقلیه هوایی مورد استفاده در حمل و نقل بین المللی یا اموال منقول مرتبط با عملیات این کشتیها یا وسایط نقلیه هوایی فقط مشمول مالیات آن دولت متعهد خواهد بود. ۴- عواید حاصل توسط مقیم یک دولت متعهد از نقل و انتقال سهام در شرکتی که بیش از پنجاه درصد (۵۰٪) ارزش آن سهام به طور مستقیم از اموال غیرمنقول واقع در دولت متعهد دیگر حاصل شده است، می تواند در آن دولت دیگر مشمول مالیات شود. ۵- عواید ناشی از نقل و انتقال هر مالی به غیر از موارد مذکور در بند های (۱)، (۲)، (۳) و (۴) فقط مشمول مالیات در دولت متعهدی که انتقال دهنده مقیم آن است خواهد بود. ماده ۱۴- خدمات شخصی مستقل ۱- درآمد حاصل توسط مقیم یک دولت متعهد به سبب خدمات حرفه ای یا سایر فعالیت های مستقل، فقط در آن دولت مشمول مالیات خواهد بود مگر آنکه این شخص به منظور انجام فعالیت های خود به طور منظم پایگاه ثابتی در دولت متعهد دیگر در اختیار داشته باشد که در این صورت این درآمد فقط تا حدودی که مربوط به آن پایگاه ثابت باشد، می تواند در دولت متعهد دیگر مشمول مالیات شود. ۲- اصطلاح «خدمات حرفه ای» به ویژه شامل فعالیت های مستقل علمی، ادبی، هنری، پرورشی یا آموزشی و همچنین فعالیت های مستقل پزشکان، مهندسان، کارشناسان، وکلای دادگستری، معماران، دندانپزشکان و حسابداران می باشد. ماده ۱۵- خدمات شخصی غیرمستقل ۱- با رعایت مقررات مواد (۱۶)، (۱۸)، (۱۹) و (۲۰) این موافقتنامه، حقوق، دستمزد و سایر حق الزحمه های مشابهی که مقیم یک دولت متعهد بابت استخدام دریافت می دارد فقط در همان دولت مشمول مالیات می باشد مگر آنکه اشتغال در دولت متعهد دیگر صورت گیرد. چنانچه اشتغال بدین گونه باشد، حق الزحمه حاصل از آن می تواند در آن دولت متعهد دیگر مشمول مالیات شود. ۲- علی رغم مقررات بند (۱)، حق الزحمه حاصل توسط مقیم یک دولت متعهد بابت اشتغال در دولت متعهد دیگر فقط در دولت نخست مشمول مالیات خواهد بود، مشروط بر آنکه: الف - جمع مدتی که دریافت کننده در یک یا چند دوره در دولت متعهد دیگر به سر برده است از یکصد و هشتاد و سه روز در دوره دوازده ماهه ای که در سال مالی مربوط شروع یا خاتمه می یابد تجاوز نکند، و ب - حق الزحمه توسط یا از طرف کارفرمایی که مقیم آن دولت متعهد دیگر نیست پرداخت شود، و پ - پرداخت حق الزحمه بر عهده مقرر داریم یا پایگاه ثابتی نباشد که کارفرما در دولت دیگر دارد. ۳- علی رغم مقررات پیش گفته در این ماده، حق الزحمه پرداختی توسط مؤسسه یک دولت متعهد بابت استخدام در کشتی یا وسایط نقلیه هوایی مورد استفاده در حمل و نقل بین المللی فقط در آن دولت متعهد مشمول مالیات خواهد بود. ماده ۱۶- حق الزحمه مدیران حق الزحمه مدیران حق الزحمه مدیران و پرداخت های مشابه دیگری که مقیم یک دولت متعهد به لحاظ سمت خود به عنوان عضو هیات مدیره شرکت مقیم دولت

متعاقد دیگر تحصیل می نماید، می تواند در آن دولت متعاقد دیگر مشمول مالیات شود. ماده ۱۷- هنرمندان و ورزشکاران ۱- علی رغم مقررات مواد (۱۴) و (۱۵)، درآمدی که مقیم یک دولت متعاقد به عنوان هنرمند، از قبیل هنرمند تئاتر، سینما، رادیو، تلویزیون، یا موسیقی دان، یا به عنوان ورزشکار بابت فعالیت های شخصی خود در دولت متعاقد دیگر تحصیل می نماید، می تواند در آن دولت متعاقد دیگر مشمول مالیات شود. ۲- چنانچه درآمد بابت فعالیت های شخصی هنرمند یا ورزشکار در سمت خود به آن هنرمند یا ورزشکار تعلق نگیرد و عاید شخص دیگری شود، صرف نظر از مقررات مواد (۷)، (۱۴) و (۱۵) آن درآمد می تواند در دولت متعاهدی مشمول مالیات شود که فعالیت های هنرمند یا ورزشکار در آن انجام می گیرد. ۳- درآمدی که هنرمند یا ورزشکار بابت فعالیت های خود در چهارچوب موافقتنامه فرهنگی میان دولتهای متعاقد کسب می کند از شمول بند های (۱) و (۲) مستثنا می باشد. ماده ۱۸- حقوق بازنشستگی یا رعایت مفاد بند (۲) ماده (۱۹)، حقوق بازنشستگی و سایر حق الزحمه های مشابه پرداختی به مقیم یک دولت متعاقد به ازای خدمات گذشته فقط مشمول مالیات آن دولت متعاقد خواهد بود. ماده ۱۹- خدمات دولتی ۱- حقوق، دستمزد و سایر حق الزحمه های مشابه، به استثنای حقوق بازنشستگی، پرداختی توسط یک دولت متعاقد یا تقسیم فرعی سیاسی یا مقام محلی آن به شخص حقیقی بابت خدمات انجام شده برای آن دولت یا تقسیم فرعی یا مقام فقط در آن دولت متعاقد مشمول مالیات خواهد بود. با وجود این، چنین حقوق، دستمزد و سایر حق الزحمه های مشابه چنانچه خدمات در دولت متعاقد دیگر و توسط شخص حقیقی مقیم آن دولت انجام شود، فقط در دولت متعاقد دیگر مشمول مالیات خواهد بود، مشروط بر آنکه آن شخص حقیقی مقیم، تبعه آن دولت متعاقد دیگر بوده، یا صرفاً برای ارایه خدمات مزبور مقیم آن دولت نشده باشد. ۲- هر گونه حقوق بازنشستگی پرداختی توسط یک دولت متعاقد یا از محل صندوق ایجاد شده از طرف آن دولت یا تقسیم فرعی سیاسی یا مقام محلی آن به فردی بابت خدماتی که برای آن دولت یا تقسیم فرعی یا مقام مزبور انجام داده است فقط مشمول مالیات آن دولت متعاقد خواهد بود. با وجود این، چنانچه شخص حقیقی، مقیم و تبعه دولت متعاقد دیگر باشد حقوق بازنشستگی مزبور فقط مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر خواهد بود. ۳- در مورد حقوق و مقرری های بازنشستگی بابت خدمات ارایه شده در خصوص فعالیت های تجاری که یک دولت متعاقد یا تقسیم فرعی سیاسی یا مقام محلی آن انجام می دهد مقررات مواد (۱۵)، (۱۶)، (۱۷) و (۱۸) مجری خواهد بود. ماده ۲۰- مدرسان، محصلان و محققان ۱- وجوهی که محصل یا کارآموزی که بلافاصله قبل از حضور در یک دولت متعاقد، مقیم و تبعه دولت متعاقد دیگر بوده، و صرفاً به منظور تحصیل یا کارآموزی در دولت نخست به سر می برد، برای مخارج زندگی، تحصیل یا کارآموزی خود دریافت می دارد، در دولت متعاقد نخست مشمول مالیات نخواهد بود، مشروط بر آنکه پرداختهای مزبور از منابع خارج از آن دولت حاصل شود. ۲- همچنین، حق الزحمه دریافتی توسط معلم یا مدرسی که بلافاصله قبل از حضور در یک دولت متعاقد، مقیم و تبعه آن دولت متعاقد دیگر بوده و به منظور تدریس یا انجام تحقیق علمی برای یک دوره یا دوره هایی که از دو سال تجاوز نکند در دولت متعاقد نخست به سر می برد، در دولت متعاقد نخست از مالیات معاف خواهد بود، مشروط بر آنکه پرداخت های مزبور از منابع خارج از آن دولت حاصل شود. مفاد این بند در مورد حق الزحمه و درآمد حاصل از انجام تحقیقات برای اشخاص و مؤسساتی که دارای اهداف تجاری می باشند، مجری نخواهد بود. ماده ۲۱- سایر درآمدها ۱- اقلام درآمد مقیم یک دولت متعاقد که در مواد قبلی این موافقتنامه مورد حکم قرار نگرفته است، در هر کجا که حاصل شود، صرفاً در آن دولت متعاقد مشمول مالیات خواهد بود. ۲- به استثنای درآمد حاصل از اموال غیرمنقول به گونه ای که در بند (۲) ماده (۶) تعریف شده است، هرگاه دریافت کننده درآمد، مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگر از طریق مقر دایم واقع در آن به کسب و کار بپردازد یا از پایگاه ثابت واقع در آن خدمات شخصی مستقل انجام دهد و حق یا اموالی که درآمد در رابطه با آن حاصل شده است با این مقر دایم یا پایگاه ثابت به گونه مؤثری مرتبط باشد، مقررات بند (۱) مجری نخواهد بود. در این صورت، حسب مورد مقررات ماده (۷) یا (۱۴) اعمال خواهد شد. ماده ۲۲- آیین حذف مالیات مضاعف ۱- چنانچه مقیم یک دولت متعاقد درآمدی حاصل کند که طبق مقررات این موافقتنامه در دولت متعاقد دیگر مشمول مالیات شود، دولت نخست اجازه خواهد داد مبلغی برابر با مالیات بر درآمد پرداختی در آن دولت دیگر، از مالیات بر درآمد آن مقیم کسر شود. با وجود این، این گونه کسور نباید از میزان مالیات بر درآمدی که پیش از کسر، به آن درآمد در آن دولت دیگر تعلق می گرفته، بیشتر باشد. ۲- چنانچه طبق هر یک از مقررات این موافقتنامه درآمد حاصل توسط مقیم یک دولت متعاقد در آن دولت از مالیات معاف باشد، دولت مزبور می تواند علی رغم معافیت، در محاسبه مالیات بر باقیمانده درآمد این مقیم، درآمد معاف شده را منظور کند. ماده ۲۳- عدم تبعیض ۱- اتباع یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر مشمول هیچ گونه مالیات یا الزامات مرتبط با آن، که متفاوت یا سنگین تر از مالیات و الزامات مربوط به آن است که اتباع آن دولت متعاقد دیگر تحت همان شرایط مشمول آن هستند یا ممکن است مشمول آن شوند، نخواهند بود. علی رغم مقررات ماده (۱)، این مقررات شامل اشخاصی که مقیم یک یا هر دو دولت متعاقد نیستند نیز خواهد بود. ۲- مالیاتی که از مقر دایم مؤسسه یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر اخذ می شود نباید در آن دولت متعاقد دیگر از مالیات مؤسسات آن دولت متعاقد دیگر که همان فعالیت ها را انجام می دهند نامساعدتر باشد. ۳- مؤسسات یک دولت متعاقد که سرمایه آنها کلاً یا جزاً به طور مستقیم یا غیرمستقیم در مالکیت یا در کنترل یک یا چند مقیم دولت متعاقد دیگر می باشد، در دولت نخست مشمول هیچ گونه مالیات یا الزامات مرتبط به آن، که متفاوت یا سنگین تر از مالیات و الزامات مربوط به آن است که سایر مؤسسات مشابه در آن دولت نخست مشمول آن هستند یا ممکن است مشمول آن شوند، نخواهند شد. ۴- به جز در مواردی که مقررات بند (۱) ماده (۹)، بند (۷) ماده (۱۱) یا بند (۶) ماده (۱۲) اعمال می شود، هزینه های مالی، حق الامتیاز و سایر هزینه های پرداختی توسط مؤسسه یک دولت متعاقد به مقیم دولت متعاقد دیگر به منظور تعیین میزان درآمد مشمول مالیات آن مؤسسه، تحت همان شرایطی قابل کسر خواهد بود که چنانچه به مقیم دولت نخست پرداخت شده بود. همچنین هر گونه دین مؤسسه یک دولت متعاقد به مقیم دولت متعاقد دیگر به منظور تعیین میزان سرمایه مشمول مالیات آن مؤسسه، تحت همان شرایطی قابل کسر خواهد بود که اگر دین مزبور به مقیم دولت نخست پرداخت می شد. ۵- این مقررات به گونه ای تعبیر نخواهد شد که یک دولت متعاقد را ملزم نماید که هر نوع مزایای شخصی، بخشودگی و تخفیف مالیاتی را که به علت احوال شخصی یا مسیولیت های خانوادگی به اشخاص مقیم خود اعطای می نماید به اشخاص مقیم دولت متعاقد دیگر نیز اعطای کند. ماده ۲۴- آیین توافق دوجانبه ۱- چنانچه مقیم یک

دولت متعاقد بر این نظر باشد که اقدامات یک یا هر دو دولت متعاقد منتج به مالیاتی برای وی شده یا خواهد شد که منطبق با این موافقتنامه نمی باشد، صرف نظر از طرق احقاق حق پیش بینی شده در قوانین ملی دولتهای مزبور، می تواند اعتراض خود را به مقام صلاحیتدار دولت متعهده که مقیم آن است، یا چنانچه مورد او مشمول بند (۱) ماده (۲۳) باشد به مقام صلاحیتدار دولت متعهده که تبعه آن است، تسلیم نماید. اعتراض باید ظرف مدت سه سال از تاریخ نخستین اطلاع از اقدامی که به اعمال مالیات مغایر با مقررات این موافقتنامه منتهی شده تسلیم شود. ۲- اگر مقام صلاحیتدار اعتراض را موجه بیابد ولی خود نتواند به راه حل مناسبی برسد، برای اجتناب از اخذ مالیاتی که مطابق این موافقتنامه نمی باشد، خواهد کوشید که از طریق توافق متقابل با مقام صلاحیتدار دولت متعاقد دیگر موضوع را فیصله دهد. ۳- مقامهای صلاحیتدار دو دولت متعاقد تلاش خواهند کرد که کلیه مشکلات یا شبهات ناشی از تفسیر یا اجرای این موافقتنامه را با توافق دو جانبه فیصله دهند. آنها همچنین می توانند به منظور حذف مالیات مضاعف در مواردی که در این موافقتنامه پیش بینی نشده است با یکدیگر مشورت کنند. ۴- مقامهای صلاحیتدار دو دولت متعاقد می توانند به منظور حصول توافق در مضمون بند های پیشین، مستقیماً یا یکدیگر ارتباط حاصل کنند. مقامهای صلاحیتدار به طریق مشاوره، آیین ها، شرایط، روشها و فنون مقتضی را برای اجرای آیین توافق دو جانبه مقرر در این ماده تنظیم خواهند کرد. ماده ۲۵- تبادل اطلاعات ۱- مقامهای صلاحیتدار دولتهای متعاقد اطلاعات ضروری را برای اجرای مقررات این موافقتنامه یا اجرای قوانین داخلی راجع به مالیات های مشمول موافقتنامه تا حدودی که مالیات به موجب آن قوانین مغایر با این موافقتنامه نباشد مبادله خواهند کرد. مفاد ماده (۱) موجب تحدید تبادل اطلاعات مزبور نمی شود. هر نوع اطلاعاتی که به وسیله یک دولت متعاقد دریافت می شود، با آن به همان شیوه اطلاعات به دست آمده به موجب قوانین داخلی آن دولت به عنوان اطلاعات سری رفتار می شود و فقط برای اشخاص یا مقامات از جمله دادگاهها و مراجع اداری که به امر تشخیص، وصول، اجرای یا پیگرد اشتغال دارند، یا در مورد پژوهش خواهی های مرتبط با مالیات های مشمول این موافقتنامه تصمیم گیری می کنند، فاش می شود. اشخاص یا مقامات یاد شده، اطلاعات را فقط برای چنین مقاصدی مورد استفاده قرار خواهند داد. آنان می توانند این اطلاعات را در جریان دادرسی های علنی دادگاهها یا طی تصمیمات قضایی فاش سازند. ۲- مقررات بند (۱) در هیچ مورد به نحوی تعبیر نخواهد شد که یک دولت متعاقد را وادار سازد: الف- اقدامات اداری مغایر با قوانین و رویه اداری خود یا دولت متعاقد دیگر اتخاذ نماید، ب- اطلاعاتی را ارایه نماید که طبق قوانین یا در جریان عادی اداری خود یا دولت متعاقد دیگر قابل تحصیل نیست، پ- اطلاعاتی را ارایه نماید که منجر به افشای هر نوع اسرار تجاری، کسب و کار، صنعتی، بازرگانی یا حرفه ای یا فرآیند تجاری شود یا اطلاعاتی که افشای آن با خط مشی عمومی (نظم عمومی) مغایر باشد. ماده ۲۶- اعضای هیاتهای نمایندگی و ماموریت های سیاسی و مناصب کنسولی مقررات این موافقتنامه بر امتیازات مالیاتی اعضای هیاتهای نمایندگی و ماموریت های سیاسی یا مناصب کنسولی که به موجب قواعد عمومی حقوق بین الملل یا مقررات موافقتنامه های خاص از آن برخوردار می باشند، تاثیری نخواهد گذاشت. ماده ۲۷- لازم الاجرای شدن ۱- هر یک از دولتهای متعاقد از طریق مجاری دیپلماتیک یکدیگر را از انجام الزامات قانون اساسی برای لازم الاجرای شدن این موافقتنامه مطلع خواهند نمود. ۲- این موافقتنامه از تاریخ آخرین اطلاعیه موضوع بند (۱) قوت قانونی یافته و مقررات آن به شرح زیر در هر دو دولت متعاقد نافذ خواهد بود: الف - در خصوص مالیات های کسر شده در منبع نسبت به مبالغ پرداختی یا اعتبار داده شده در روز اول ژانویه (در جمهوری اسلامی ایران برابر با اول فروردین) یا بعد از آن متعاقب تاریخی که این موافقتنامه قوت قانونی یافته است، و ب - در خصوص سایر مالیات ها، در مورد سالهای مشمول مالیات در روز اول ژانویه (در جمهوری اسلامی ایران برابر با اول فروردین) یا بعد از آن، متعاقب تاریخی که این موافقتنامه قوت قانونی یافته است آغاز می شود. ماده ۲۸- فسخ ۱- این موافقتنامه به مدت نامحدود لازم الاجرای م

